

بررسی فقهی امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی

دریافت: ۹۴/۷/۱۱ تأیید: ۹۴/۱۱/۱۰ علی اکبر ایزدی فرد* و سیدمجتبی حسین نژاد**

چکیده

با توجه به حجم وسیعی از منکرات در فضای مجازی که دایره شمولیت آن به مراتب بیشتر از نوع سنتی آن است، لازم است به فریضه امر به معروف در آن اهمیت زیادی داده شود. در این تحقیق، پس از روشن شدن ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در فضای اینترنتی و سایبری، این سؤالات مورد مذاقه قرار گرفته‌اند که آیا مقتضای امر به معروف می‌تواند قطع اینترنت را به دنبال داشته باشد؟ آیا احتمال شرطیت تأثیر که در بسیاری از مواقع مفقود است، می‌تواند موجب سقوط وجوب امر به معروف و نهی منکر در فضای مجازی شود؟ آیا مراتب سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، همچون نوع سنتی از آن واجب است؟ بر فرض وجوب امر به معروف در فضای مجازی، آیا ظرف تحقق امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به فضای سنتی و واقعی دارند یا اینکه علاوه بر آن، امکان اجرای مراتب آن در فضای سایبری و اینترنتی نیز می‌باشد؟ اولاً: قطع اینترنت از باب امر به معروف، برخلاف اطلاق آیات و روایات، بنای عقلاء و ترغیب به علم و دانش است. ثانیاً: گرچه امر به معروف، مشروط به احتمال تأثیر می‌باشد، ولی دفعی بودن احتمال تأثیر، شرط نیست. ثالثاً: به حکم عقل، امر به معروف نیز در فضای مجازی واجب است و بر فرض اینکه وجوب امر به معروف، تنها مستند به ادله نقلیه باشد، با توجه به اطلاق ادله و تنقیح مناسط، واجب است. رابعاً: امکان اجرای مراتب سه‌گانه امر به معروف؛ همچون فیلترینگ که از جمله مصادیق مرتبه سوم از امر به معروف است، در فضای اینترنتی وجود دارد.

واژگان کلیدی

امر به معروف، نهی از منکر، اینترنت، بنای عقلاء، اطلاق ادله، تنقیح مناسط، عقل

* استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران: ali85akbar@yahoo.com

** استادیار مؤسسه آموزش عالی پارسا: mojtabahoseinzhad4@gmail.com

مقدمه

مراد فقهاء از امر و نهی، مطلق برانگیختن کسی بر انجام یا ترک چیزی است؛ خواه به گفتار یا کردار باشد و مراد از معروف و منکر هر کار پسندیده و ناپسند از نظر عقل و شرع است؛ اعم از واجب، مستحب، حرام و مکروه (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۹۹-۱۰۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۶۳-۳۶۵). در کفایه یا عینی بودن امر به معروف و نهی از منکر، اختلاف است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۹). آگاهی و شناخت امرکننده و نهی کننده نسبت به معروف مورد امر و منکر مورد نهی، احتمال تأثیر، اصرار فاعل بر استمرار ترک واجب یا فعل حرام؛ هرچند به عزم بر ارتکاب مجدد آن، معذور نبودن وی در ارتکاب و عدم وجود مفسده و زیان برای آمر و ناهی یا یکی از مسلمانان، از شرایط آن است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ابن ادریس، ۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲۴؛ شهید اول، ۴۱۰ق، ص ۸۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۳-۱۰۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۱۹-۴۲۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۶۶-۳۷۱).

امر به معروف و نهی از منکر در فضای سایبری، کاری بس بنیادی و نیازمند مطالعه و اتخاذ تدابیر مناسب است؛ زیرا به قدری جوامع و اقشار، تحت تأثیر پیام‌ها، هرزنامه‌ها و همچنین عکس‌ها و فیلم‌ها و نوشته‌های موجود در سایت‌ها قرار می‌گیرند که زندگی واقعی آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تکنولوژی می‌تواند تأثیرات غیر قابل باوری روی افراد بگذارد و به طور کلی فضای سایبری، ذهن افراد را از دنیای واقعی دور کرده و روش زندگی جدیدی را برای آنها تعریف کند. با توجه به فراگیر شدن دنیای اینترنت، طبیعی است افرادی نیز در این فضای سایبری شروع به فعالیت‌هایی می‌کنند که با آموزه‌های قرآنی همخوانی نداشته و بر حسب نگاه وجدانی همگان، این فعالیت‌ها غیر قابل قبول است. لازم به ذکر است با توجه به اینکه در کتب فقهی از امر به معروف و خصوصیات، شرایط و دلایل وجوب آن به صورت مفصل و دقیق بحث شده است، نگارندگان در تحقیق حاضر، تنها به بررسی اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در

فضای مجازی و بیان بعضی از مصادیق مراتب سه گانه آن و در نهایت، حکم تکلیفی امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی را با تحلیلی بر تمسک به اطلاقات و تنقیح مناط و حکم عقل، می‌پردازند.

وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی

در صورتی که بتوان فضای مجازی را به عنوان بازتابی از عملکردهای جهان واقعی دانست، بدون شک امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی نیز از جمله فرائض دینی است. لذا مهمتر از همه قبل از به میان آوردن بحث از امکان وقوع مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی و تطبیق آن بر نوع سنتی از آن، لازم است به اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی پرداخته شود.

مناقشه موضوعی و نقد و بررسی آن

قبل از اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای سایبری، ابتدا لازم است جواز مشروعیت استفاده از اینترنت اثبات شود و الا وجوب امر به معروف و نهی از منکر از باب سالبه به انتفای موضوع، منتفی است. بر این اساس، قبل از اثبات وجوب امر به معروف در فضای سایبری با مناقشه‌ای به شرح ذیل مواجه‌ایم:

ممکن است گفته شود در جنبه‌های مثبت؛ اگرچه اینترنت جزء جدایی‌ناپذیر نهادهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و خانوادگی به شمار می‌آید، منتها با وجود چنین کارکردهای مثبتی دارای نقاط تاریک و پیامدهای منفی نیز می‌باشد که از جمله آنها - همانطوری که گذشت -، می‌توان به هرزه‌نگاری و بی‌بندوباری اخلاقی، اشاعه فحشاء، سرقت و افساد اشاره نمود. لذا با در نظر گرفتن چنین پیامدهای منفی بزرگ، چه بسا امر به معروف و نهی از منکر، مقتضی قطع اینترنت به دلیل بیم استفاده نامطلوب از آن است.

در جواب این مناقشه می‌توان گفت:

استفاده صحیح از ابزارهای ارتباطی همچون اینترنت برای اغراض عقلایی و علمی

منعی ندارد؛ زیرا:

اولاً: فضای سایبری، عرصه جدیدی برای حیات بشری است که قابلیت پذیرش و انجام بخش عمده‌ای از نیازها، فعالیت‌ها و شئون زندگی بشر و اجتماعات انسانی و حکومت‌ها را دارد و به عنوان سایه فضای واقعی و از طریق تمرکز پردازش و جابه‌جایی اطلاعات، توانایی شبیه‌سازی فعالیت‌ها و ساختارهای فضای واقعی را داشته و این شبیه‌سازی را با اثربخشی در فضای واقعی انجام می‌دهد. کارکردهای مثبت اینترنت را می‌توان در چند محور طبقه‌بندی کرد که عبارتند از توسعه اقتصادی، هم‌گرایی اجتماعی و مهمتر از همه، دانش و کسب مهارت‌های جدید.

بر این اساس، با توجه به مزایای اینترنت، می‌توان گفت استفاده از اینترنت از آن جهت که مهمترین پدیده در جهت کسب دانش و مهارت و به عنوان نماد پیشرفت علم و فناوری جامعه و جزء جدایی‌ناپذیر آن تلقی می‌شود، تحت شمول اطلاق ادله آیات (فاطر (۳۵): ۲۵؛ بقره (۲): ۲۶۹؛ انعام (۶): ۱۲۲؛ زمر (۳۹): ۹) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳-۳۰) ترغیب به علم و دانش می‌باشد و چه بسا از این جهت که انسان مکلف به احیاء و آبادی زمین و حفظ نعمت‌های الهی؛ مانند انسان، حیوان، گیاهان و ... است، لذا ملزم به فراگیری علوم و دانشی است که وی را به این مهم رهنمون می‌سازد. به جاست، تبیین این مطلب را با سخن علامه حلی در بیان اقسام علم، به پایان ببریم.

فراگیری علم یا بر انسان واجب عینی است یا واجب کفایی یا مستحب است و یا حرام.

۱. علمی که آموختنش بر هر انسان واجب است، علم خداشناسی، اثبات نبوت پیامبر ۹ و امامت و معاد است. این نوع از علم، تقلیدبردار نیست، بلکه باید با دلیل و برهان باشد؛ یعنی اثبات خداوند واجب‌الوجود، نبوت پیامبر و عصمتش، امامت ائمه : و اعتقاد به معاد، باید با دلیل و برهان باشد، نه از روی تقلید.

۲. علمی که فراگیری آن واجب کفایی است، عبارت است از علم اصول فقه، کیفیت استدلال و اقامه برهان و علم طب برای معالجه انسان‌ها، علم ریاضی به جهت نیاز در معاملات و تقسیم ارث و

۳. دانشی که تعلیمش مستحب است، هر دانشی است که مردم به اندازه نیاز جامعه به فراگیری آن مشغول‌اند؛ یعنی به اندازه کافی متخصص در آن رشته وجود دارد.

۴. علم حرام، هر علمی که آموختنش، به جهت قبح و ضررش از طرف شارع نهی شده است؛ مثل سحر، کهنات، قیافه و... (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶-۳۷).

با توجه به اینکه امروزه اینترنت به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر نهادهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و خانوادگی، می‌باشد - همانطور که تبیین آن گذشت -، بدون شک روی آوردن به اینترنت، جزء قسم اول - البته در صورت نداشتن متخصص به اندازه کافی - و یا جزء قسم دوم - البته در صورتی که متخصص به اندازه کافی در این زمینه وجود داشته باشد - می‌باشد. لذا قطع نمودن اینترنت که از جمله پدیده‌هایی شمرده می‌شود که علاوه بر منافع حرام، دارای منافع عقلایی قابل توجه است، تضييع حقوق مردم محسوب می‌شود و بیم و بهانه احتمال استفاده نامطلوب برخی از اقشار جامعه از این فناوری، نمی‌تواند مجوز قطع آن گردد. غرض از ایجاد مقوله اینترنت، فقط از آن باب است که جزء لاینفک پیشرفت علم و نماد پیشرفت علم تلقی می‌شود؛ اگرچه ممکن است قشری از افراد، از آن استفاده منفی نمایند، منتها نمی‌توان با در نظر گرفتن استفاده منفی بعضی از افراد، آن را قطع نمود. لذا مقوله اینترنت، مثل بسیاری از تکنولوژی‌های جدید، استفاده صحیح و مشروع از آن جایز است.

آنچه مؤید دلیل فوق در نظر گرفته می‌شود، اینکه از نظر عقل نیز استفاده صحیح از اینترنت در عصر حاضر با توجه مزایای آن، جزء جدایی‌ناپذیر و لاینفک پیشرفت علم است و نمی‌توان منکر نقش فضای مجازی در عرصه علم و پیشرفت جامعه بشری شد، بلکه امروزه پیشرفت در هر جامعه‌ای ارتباط تنگاتنگی با استفاده از فضای مجازی در آن جامعه دارد؛ به طوری که از مسلمات آن جامعه شمرده می‌شود؛ چرا که در عصر کنونی، شبکه جهانی اینترنت و فضای سایبری که محصول عملکرد آن است، نماد پیشرفت علم و فن‌آوری است و نمی‌توان به بیم استفاده نامطلوب برخی از افراد، استفاده از اینترنت را جایز ندانست.

ثانیاً: سیره عقلاء نیز می‌تواند با توجه به اهمیت اینترنت در عصر حاضر، به جواز استفاده از اینترنت حکم کند.

البته ممکن است گفته شود از جمله شرایط حجیت بنای عقلاء آن است که مورد تقریر و تأیید شارع قرار گرفته شده و از ناحیه او ردعی صورت نگرفته باشد؛ در حالی که در مقام بحث، موضوع (فضای سایبری) در زمان شارع مقدس وجود نداشته است تا بتوان اثبات نمود که سیره عقلاء مورد تأیید و عدم ردع شارع قرار می‌گیرد؟

در جواب گفته می‌شود، مطابق با نظر مشهور؛ اگرچه همزمانی و معاصر بودن بنای عقلاء با عصر شارع، به عنوان یکی از شروط حجیت بنای عقلاء می‌باشد، منتها در اثبات معاصر بودن باید گفت، اگر معصوم بنای عقلاء را ردع کرده باشند، باید چنین ردعی به دست ما رسیده باشد و حال آنکه چنین نیست. وانگهی امضایی که از سکوت معصوم به دست می‌آید، بر مبنای آن نکته ثابت عقلایی در بنای عقلاء است، نه بر اساس سلوک فعلی عقلاء در آن عصر. از این رو، ظاهر از حال معصوم 7 این است که بنای عقلاء را امضای کبروی نموده و اختصاص به زمان قرار نداده است. لذا نفس وجود طبع عقلاء به شرط عدم ردع از طرف شارع، برای اینکه کشف کنیم شارع، مقتضای آن طبع عقلایی را امضاء نموده، کفایت می‌کند. بنابراین، اگر طبع و ارتکاز عقلایی که پایه آن رفتار است، بتواند مبنا و پایه رفتارهای دیگری که در زمان شارع به دلیل نداشتن موضوع یا هر دلیل دیگری وجود نداشته‌اند قرار گیرد، در این صورت، آن رفتارهای دیگر نیز دارای حجت گشته و معتبر می‌شوند؛ چرا که پایه آنها که همان ارتکاز و طبع فراگیر عقلایی بوده در زمان شارع تأیید و تقریر شده است (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ همو، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۷؛ مجمع فقه اهل البیت، ۱۴۲۳ق، ص ۳۳۶-۳۳۵).

مناقشه حکمی و نقد و بررسی آن

پس از مشروعیت موضوع اینترنت، ممکن است در مورد حکم به وجوب امر به معروف و نهی از منکر گفته شود؛ گرچه اجرای امر به معروف و نهی از منکر در

فضای سایبری از اهمیت بسزایی برخوردار است، منتها همانطور که گذشت، اجرای مراتب سه‌گانه آن در بسیاری از موارد نتیجه مطلوبی ندارد و لذا نمی‌توان آن را در اکثر موارد واجب دانست؛ زیرا یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر آن است؛ در حالی که این احتمال در فضای سایبری، در مواقع زیادی از جهت ناشناخته‌بودن کاربران منتفی است. لذا اجرای مراتب امر به معروف در این فضا، به گونه‌ای که اثرگذار باشد، به علت چهره به چهره نبودن، بسیار سخت است. گذشته از اینکه با استقراء در این زمینه دانسته می‌شود که بسیاری از کاربران و مدیران سایتی که امران به معروف، آنها را دعوت به معروف و نهی از منکر نمودند، باز هم اصرار بر انجام منکرات در فضای مجازی می‌نمایند، حتی اگر احتمال تأثیر هم باشد، به صورت دفعی نیست، بلکه به صورت تدریجی و طی مرور زمان است. لذا با انتفای احتمال تأثیر، وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیز در فضای مجازی ساقط می‌شود.

اولاً در شرطیت احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، تحت عنوان یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اختلاف نظر شدیدی بین فقهاء حاکم است و مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است که آوردن آن بسی طولانی است. منتها به صورت خیلی خلاصه باید گفت تعداد زیادی از فقهاء همچون شیخ «مفید» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۱۳-۸۰۷؛ سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۱-۲۶۰؛ قاضی بن براج، ۱۴۰۶ق، ص ۳۴۳-۳۴۰ و ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۷) متعرض این شرط نشده‌اند و تعدادی نیز همچون «ابوالصلاح حلبی» (۱۴۰۳ق، ص ۲۶۵) با توجه به اطلاق ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اشتراط آن را به ظن به تأثیر، منتفی دانسته‌اند. همچنین شیخ «طوسی» در کتاب «اقتصاد»، در مورد شرطیت تأثیر نگاشته است:

نهی از منکر سه حالت دارد: ۱. گمان تأثیر باشد. ۲. گمان تأثیر نباشد. ۳. احتمال تأثیر و عدم تأثیر مساوی باشد. در دو صورت اخیر، بعضی گفته‌اند وجوب ساقط است و بعضی دیگر گفته‌اند ساقط نیست. این نظر سید مرتضی است و همین نظر قوی است؛ زیرا ادله اطلاق دارد... (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۴۹).

گروه زیادی نیز همچون «ابن ادریس» (۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۳)؛ شهید ثانی (۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۲)؛ اردبیلی (۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۵۳۶) و نجفی (۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۷۱)، پس از بررسی دقیق شرایط امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر را نیز در زمره این شرایط شمرده‌اند. از جمله دلایل اعتبار تأثیر، اجماع است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۶۷)، منتها اجماع مذکور، گذشته از اینکه از نظر صغروی مشکل داشته و احتمال عدم تحقق آن وجود دارد - به طوری که صاحب جواهر که از جمله مدعیان این اجماع است، مرحله اول از امر به معروف و نهی از منکر (قلبی) را مشروط به تأثیر ندانست، بلکه به نحو مطلق واجب دانست (همان) -، از نظر کبروی نیز مخدوش بوده و مدرکی بودن آن محتمل است؛ چرا که با توجه به ورود یک دسته از روایات در این زمینه، احتمال استناد اجماع به این روایات وجود دارد. لذا مهمتر از همه در این مقام، بررسی روایات است. در این زمینه بالغ بر پنج روایت وارد شده است که صاحب جواهر آن را در مقام دلیل بر شرطیت احتمال تأثیر آورده است که عبارتند از: ۱. روایت «مسعده»؛^۱ ۲. روایت «یحیی بن طویل»؛^۲ ۳. روایت «داود رقی»؛^۳ ۴. روایت «حارث بن مغیره»^۴ و ۵. روایت «ابان».^۵ با توجه به اینکه دلالت و سند بعضی از این روایات، چون روایت اول، تمام است، لذا وجوب امر به معروف و نهی از منکر منوط به تأثیر است، اما باید در نظر داشت؛ اگرچه ممکن است امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی به دلیل ناشناس بودن طرف مقابل و عدم رویارویی در مقابلش، در بسیاری از موارد به صورت دفعی دارای احتمال تأثیر نباشد، ولی به صورت تدریجی - چنانچه در مناقشه نیز مطرح شد - دارای احتمال تأثیر است و مطابق با اطلاق ادله نسبت به وجود دفعی یا تدریجی، امر به معروف، حتی در صورت وجود احتمال تدریجی تأثیر نیز واجب خواهد بود. گذشته از اینکه با صرف نظر از اطلاق ادله نیز ممکن است گفته شود این گونه امر و نهی که با تکرار تأثیر می‌گذارد، مراتب اول آن از باب مقدمه، واجب خواهد بود؛ چنانچه فقهای همچون امام خمینی^۱ با وجود اینکه وجوب امر به معروف و نهی از منکر را مشروط به احتمال تأثیر دانسته‌اند، اما در مقام تبیین، کلیت آن را نمی‌پذیرند و در این مورد می‌فرمایند:

اگر شخص بداند نهی از منکر در حال حاضر اثر ندارد، ولی بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی فعلی در آینده اثر دارد، واجب است و همچنین اگر بداند نهی از منکر، نسبت به شرب خمر از ظرف خاصی اثر ندارد، ولی نسبت به ترک آن فی الجمله و یا مطلقاً در آینده اثر دارد، واجب است (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۰).

نظریه مختار

حال با اثبات جواز استفاده از اینترنت و همچنین شأنت شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، به راحتی می توان وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی را با توجه به اطلاق ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر اثبات نمود. گرچه در این هنگام با توجه به وجود شک در اصل تکلیف، مقتضای قاعده، اصالت برائت ذمه شخص از انجام امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی است، منتها اصل برائت به عنوان ادله فقاهتی، تنها در صورتی می تواند به عنوان دلیل قرار گیرد که ادله اجتهادی همچون اصالة الاطلاق که از جمله ادله لفظیه شمرده می شود، در مقابل آن قرار نگیرد.

تبیین این مطلب از این قرار است که در آیاتی چون ۷۱ سوره توبه،^۶ ۷۹ سوره مائده،^۷ ۱۷ سوره لقمان^۸ و ۱۱۰ آل عمران^۹ و روایاتی همچون ابوسعید زهری^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۷-۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸-۱۱۷) و روایت محمد بن عرفه^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۸۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸) امر به معروف و نهی از منکر واجب شده است. اطلاق این ادله می تواند شامل امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی نیز بشود.

البته تمسک به اطلاق، چه بسا ممکن است در بدو نظر، مناقشاتی به شرح ذیل را به همراه داشته باشد:

مناقشه اول: یکی از مقدمات حکمت در مقام تمسک به اطلاق، احراز فقدان قدر

متیقن در مقام تخاطب است. بنابراین، چه بسا ممکن است در ادله‌ای همچون روایت ابوسعید زهری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶-۵۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸-۱۱۷)، امر به معروف و نهی از منکر سنتی به عنوان قدر متیقن از امر به معروف در مقام تخاطب بین راوی و امام ۷ باشد.

در مقام جواب از مناقشه فوق باید گفت اگر این قدر متیقن در مقام تخاطب بوده و مستفاد از کلام متکلم باشد، در این صورت، مناقشه مزبور وارد است؛ زیرا قدر متیقن در مقام تخاطب، مانع از ظهور اطلاق است، منتها با توجه به آنچه آمد، قدر متیقن بودن امر به معروف فیزیکی به خاطر وجود نداشتن اینترنت در آن زمان، به عنوان یکی از افراد طولی و بدلی مطلق، به ملاحظه خارج از مقام تخاطب است که از خود روایت و سخنان امام استفاده نشده است. لذا این قدر متیقن از آنجایی که خارج از متن سخنان امام ۷ بوده و مستفاد از کلام او نمی‌باشد، مانع از انعقاد اطلاق نیست و قرینه نمی‌شود که جلوی ظهور و انعقاد مطلق در اطلاق را بگیرد؛ وگرنه چنانچه قدر متیقن خارجی، مانع از اطلاق می‌شد، هیچگاه اطلاقی وجود نمی‌داشت؛ زیرا هر مطلق که فرض شود، خواه‌ناخواه قدر متیقن خارجی دارد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۴۷؛ همو، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۹-۱۱۸).

مناقشه دوم: واژه منکر در امر به معروف و نهی از منکر در این روایات، منصرف به منکرات سنتی و فیزیکی است؛ زیرا اکثر منکرات به صورت سنتی انجام می‌شود که در این صورت، این انصراف مانع از تمسک به اطلاق می‌شود.

در جواب از این مناقشه باید گفت بر فرض اینکه چنین بوده باشد و خلدشه‌ای بر صغرای این قیاس استدلالی نباشد - زیرا بر حسب ظاهر در زمان کنونی منکرات اینترنتی نسبت به نوع سنتی از آن از شیوع بسزا و بیشتری برخوردار است - کبرای این قیاس نیز صحیح نیست؛ زیرا غلبه تنها در صورتی می‌تواند موجب انصراف شود که ناشی از کثرت انس باشد، نه غلبه وجودی و اکملیت. توضیح مطلب اینکه در علم اصول، ثابت شده است که غلبه وجودی و اکملیت، منشأ انصراف نمی‌شوند و اگر انصرافی باشد، بدوی است که به زودی زایل می‌شود؛ چون ظهور، از «انس لفظ با معنا»

حاصل می‌شود و این انس، فقط از طریق استعمال، قابل تحقق است؛ به گونه‌ای که اگر استعمال لفظ در یک معنا زیاد باشد، این انس زیاد می‌شود تا جایی که لفظ، وجه و مرآت (آینه) برای معنا خواهد شد و در نتیجه، ظهور هم قوی می‌شود. اما اگر استعمال کمتر باشد، انس کمتر خواهد بود و در نتیجه ظهور هم ضعیف می‌شود. پس قوت و ضعف ظهور، بستگی به قوت و ضعف انس لفظ با معنا دارد و سبب آن، استعمال است، نه اکتل بودن و یا غلبه وجودی فرد و لذا هرچه لفظ در یک معنا بیشتر استعمال شود، انس آن بیشتر می‌شود؛ چه آن معنا، فرد اکتل باشد و چه نباشد و اعم از اینکه غلبه وجودی داشته باشد یا نداشته باشد. در نتیجه، تنها کثرت استعمال، سبب ظهور انصرافی می‌شود و این انصراف، به خلاف دو صورت قبل، بدوی نمی‌باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۷۲؛ جزایری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵۴-۴۵۳؛ ایروانی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ موسوی حائری، بی تا، ص ۲۴۰). بنابراین، از راه انصرافی که ناشی از غلبه وجودی می‌باشد، نمی‌توان تمسک به اطلاق را منتفی دانست.

ممکن است گفته شود که استعمال منکرات در منکرات سنتی زیاد است، لذا واژه منکرات در آیات و روایات، منصرف به منکرات سنتی (فیزیکی) می‌باشد و به تبع آن با توجه به اینکه منشأ این انصراف کثرت استعمال است، در نهایت می‌توان گفت انصراف نیز مانع از ظهور اطلاق می‌شود.

در جواب از این مناقشه نیز باید گفت اگرچه کبرای قضیه صحیح است، اما احراز صغری و اثبات کثرت استعمال منکرات در جامعه امروزی در منکرات سنتی به صورت قطعی و یا حتی ظنی معلوم نیست. در نتیجه، انصراف، تحت هر صورتی نمی‌تواند در مقام تمسک به اطلاق، هیچ جایگاهی را در خدشه به این تمسک دارا باشد.

البته در وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اجماع اقامه شده است، منتها به واسطه تمسک به این اجماع نمی‌توان امر به معروف و نهی از منکر را در فضای اینترنتی نیز واجب دانست؛ زیرا اولاً: این اجماع بر فرض وجود آن، از جهت مدرکی یا محتمل‌المدرکی بودنش نمی‌تواند فی نفسه به عنوان دلیل بر وجوب امر به معروف در خارج، موضوعیت داشته باشد؛ زیرا اجماع، تنها در صورتی حجت است و می‌تواند

دارای ارزش استنادی باشد که کاشف از قول معصوم باشد. از آنجایی که در فرض مزبور، مدرک قطعی و یا به صورت احتمالی این اجماع، دلایل لفظی همچون آیه ۷۱ سوره توبه و روایت ابوسعید زهری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۷-۵۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸-۱۱۷) می‌باشد. لذا در واقع، منشأ این اجماع؛ یعنی آیات و روایات است که حجت است (عاملی، بی تا، ص ۱۷۳).

ثانیاً: بر فرض اینکه بر صغرای این قیاس خدشه‌ای وارد نشود و اجماع بتواند تحت عنوان دلیل مستقل موضوعیت داشته باشد، توجه به این نکته نیز لازم است که اجماع به عنوان دلیل لبی در نظر گرفته می‌شود و در علم اصول، ثابت شده است که در ادله لبی باید بر قدر متیقن اکتفاء نمود. لذا نمی‌توان با اجماع در یک مسأله، حکم مسائل دیگر را استنتاج نمود، بلکه باید بر قدر متیقن که همان مورد اجماع است، اکتفاء کرد (طباطبایی قمی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۷ و ۱۱۲؛ عراقی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۶؛ صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۵۲۱). در مسأله حاضر نیز با توجه به اینکه شبهه عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی با در نظر گرفتن عدم وجود اینترنت در زمان انعقاد اجماع وجود دارد - یعنی شبهه دو مسأله بودن امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی و امر به معروف و نهی از منکر در فضای سنتی وجود دارد -، می‌توان گفت که قدر متیقن از این اجماع در استنتاج حکم تکلیفی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، تنها وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای سنتی است. بر این اساس، با ادعای اجماع بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌توان وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در فضای سایبری اثبات نمود.

با توجه به مطلب گفته شده وجه عدم تمسک به بنای عقلاء در وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی نیز روشن می‌شود؛ زیرا بنای عقلاء نیز همچون اجماع از ادله غیر لفظی و در شمار ادله لبی جای می‌گیرد. لذا نمی‌توان به اطلاق این بنا تمسک کرد (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۹۶) و حکم مورد مشکوک؛ یعنی وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی را ثابت نمود.

دلیل دیگری که می‌توان به واسطه آن وجوب امر به معروف و نهی از منکر در

فضای مجازی را ثابت نمود، تنقیح مناط است که از جمله اصول لفظیه به شمار می‌رود؛ زیرا با مراجعه به ادله وجوب اجرای امر به معروف دانسته می‌شود که ملاک وجوب اجرای امر به معروف و نهی از منکر، احیای دین و قوام آن می‌باشد؛ به طوری که انجام همه واجبات و ترک همه محرمات و برقراری امنیت و آسایش در جامعه وابسته به انجام این دو وظیفه الهی است. چنانچه حضرت علی 7 در «نهج البلاغه» فرموده است:

خداوند متعال فرمان‌دادن به کارهای پسندیده را برای اصلاح عوام و سوق‌دادن آنها را به راه رستگاری و سعادت واجب کرد. همین‌طور نهی از منکر و باز داشتن از کارهای ناپسند را واجب فرمود تا از کارهای ناشایست و ارتکاب معاصی کم خردان جلوگیری شود (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴).

شکی نیست که این ملاک، در فضای سایبری چون اینترنت با توجه به گستردگی منکرات و شبکه جهانی اینترنت - همانطور که تفصیل آن گذشت -، وجود دارد. لذا از راه تنقیح مناط نیز می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را در فضای سایبری واجب دانست.

گذشته از اینکه امر به معروف و نهی از منکر، در نصوص دینی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، ولی بسیاری از فقهاء چون شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷-۱۴۶؛ ابن ادریس، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲-۲۱؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۵۶ و فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۰۳)، وجوب آن را عقلی دانسته و نصوص دینی را ارشاد به حکم عقل به حساب می‌آورند. امام خمینی 1 نیز از جمله فقهای است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر را عقلی می‌داند؛ چرا که عقل انسانی به صورت مستقل و قطع نظر از دلایل موجود در آیات و روایات، بر جلوگیری از تحقق معصیت مولی تأکید دارد. به این ترتیب، چون عقل انسان صدور معصیت را مبعوض می‌داند، لذا بر جلوگیری از تحقق آن در خارج حکم می‌کند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

برحسب دیدگاه فوق که وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» مستند به دلیل عقلی می‌باشد، با توجه به این که عقل به صورت مطلق، جلوگیری از وقوع امور ناپسند و مبعوض خداوند را واجب می‌داند، دایره شمول این واجب عقلی نیز موسع بوده و

حتی منکراتی را که در خارج نیافته، ولی در معرض تحقق قرار دارد هم شامل می‌شود. بدین ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی نیز با توجه به گستره وسیعی از منکرات در این فضا، می‌تواند با توجه به مقتضای عقل، واجب باشد. بر این اساس، تمسک به اطلاق و تنقیح مناط برای اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، فقط در صورتی است که وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تنها مستند به دلایل نقلی باشد و الا در صورت عقلی دانستن وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، به راحتی می‌توان امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی را به حکم عقل واجب دانست.

مصادیق مجازی منکرات و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در آن

پس از اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، لازم است به تعدادی از مصادیق انحرافات و منکرات در فضای مجازی اشاره شود. از جمله این مصادیق:

۱. سایت‌ها و وبلاگ‌های انحرافی و همچنین وبسایت‌ها و لینک‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی پرتعدادی که مشخصات افراد منحرف را در خود جمع کرده‌اند و افراد دیگر و علاقمندان به رابطه انحرافی می‌توانند در این سایت‌ها و شبکه‌ها؛ البته پس از وارد نمودن نام کاربری و رمز عبور در بعضی موارد، وارد شده و شخص مورد نظر خود را پیدا کنند؛ به طوری که در بسیاری از شبکه‌های اجتماعی، شخص با دنیای مجازی پر از فیلم و عکس و پیام و نوشته و... مواجه است که توسط جستجوهای بسیار پیشرفته و حتی در بعضی مواقع با تایپ بعضی از کلمات مورد نظرش به راحتی می‌تواند به مقصود خود برسد.

۲. گاهی هم ایمیل و پست الکترونیکی افراد می‌تواند دربرگیرنده پیام‌ها و عکس‌هایی باشد که با برنامه‌ریزی برای آنها ارسال شده و دربردارنده ارتباطات انحرافی سیاسی و مذهبی و جنسی است و توسط صاحبان آنها از طریق این ایمیل به ایمیل افراد دیگری ارسال رایانه‌ای شود (بای و پورقهرمانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۷-۳۸۶).

۳. از مصادیق دیگر اینکه شخص به واسطه ورود به سامانه ارسال پیامک‌های اینترنتی (ITMS=internet text messaging system) و فرستادن پیامک‌های برنامه‌ریزی شده در غالب (sms) و (mms) به افراد مختلف می‌تواند به غرض خود از مقاصد انحرافی برسد (همان).

۴. منحرفان در فضای مجازی از طریق چت و وب‌کم و ویدیوکنفرانس و دیگر طرق ارتباطی پیشرفته؛ همچون تلگرام که راه‌هایی بیش از یک چت ساده را پیش روی کاربران قرار داده است، سعی در عملی ساختن اغراض پلید خود می‌باشند؛ به طوری که تمام آرمان‌ها و اعتقادات اصیل خود را به کل فراموش کرده، حرف‌هایی را به زبان می‌آورند و خواسته‌هایی را مطرح می‌کنند که هرگز در شأن و منزلت یک انسان نیست.

از جمله اینکه منحرفینی؛ همچون دلالان جنسی از طریق چت و گفتگوی تاپی یا شنیداری و دادن تصویر خود، با دختران، طرح دوستی ریخته و سپس با وعده ازدواج، شغل خوب، درآمد بالا و حتی با فرستادن بلیط و ویزای ورود به کشور مورد نظر، آنها را تحویل قاچاقچیان می‌دهند (رمضان نرگسی، بی‌تا، ص ۱۹؛ روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۸/۹).

همچنین منحرفین در این‌گونه از فضاها سایبری، قادرند با فکر و روح و روان مردم بازی کرده و آنها را به مسیرهای دلخواه خود منحرف سازند و آنها را دچار انحرافات دینی، فرهنگی و سیاسی کنند. این روزها چت‌ها و برنامه‌های مکالمه، فارغ از یک سایت و یا مسنجر، گستره وسیعی روی تلفن‌های همراه اندرود دارد. چت‌هایی که نه تنها محدودیت‌های قبلی را ندارد، بلکه می‌تواند هر چه بیشتر، مخاطبان خود را دچار آسیب کند. چه بسیار زنان و دخترانی که از طریق همین فضاها سایبری فریب خورده‌اند و با ورود آنها به مراکز خاص، زمینه سوء استفاده از آنها برای عده‌ای هنجارشکن فراهم شده است.

کاربران در فضای سایبری قادرند با تبلیغات، امر موهومی را صحیح و امر صحیح و مقبولی را موهوم جلوه دهند. ارائه تبلیغات غیر صحیح در عرصه‌های دینی، فرهنگی یا سیاسی در فضای سایبری، چه بسا می‌تواند باعث گمراهی افراد زیاد شود؛ به طوری که

بسیاری از کاربران اینترنت که در راه‌های غیر اخلاقی فعالیت می‌کنند، سعی دارند تفکرات خودشان را رواج دهند و لحظه‌ای در به کارگیری از این ابزارها درنگ نکرده و به صورت فراگیر و فراوان از آنها استفاده می‌کنند (روزنامه سیاست، یکشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۹).

بر این اساس، فساد و فحشاء در تالارهای گفتگوی سایبری، مسأله‌ای است که به جرأت می‌توان از آن به فاجعه قرن بیست و یکم نام برد. مردان و زنانی که شب و روز در مسنجرهای مختلف، به دنبال گزینه‌هایی هستند تا شاید به خواسته‌های شیطانی خود دست پیدا کنند.

لازم به ذکر است، برخورد با عوامل انحرافی در فضای اینترنتی و سایبری، به دلیل تکثرگرایی فضای مجازی و گمنام بودن آنها در غالب اوقات ممکن نیست. لذا گرچه بسیاری از مصادیق؛ همچون موارد ذکر شده با در نظر گرفتن قانون جرایم رایانه‌ای؛^{۱۲} همچون جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، مستوجب حد یا تعزیر است،^{۱۳} منتها با توجه به حاکمیت خصوصیت ذکر شده در رخدادهای مجازی، قطعاً با محدودیت‌هایی؛ همچون عدم اجرای حد یا تعزیر بر بزهکار و عدم امکان اجرای فیزیکی مراتب امر به معروف و نهی از منکر هستیم؛ زیرا کاربران می‌توانند به هرگونه امکانات الکترونیکی و بدون در نظر گرفتن اینکه این اطلاعات و خدمات در کدام نقطه دنیا واقع شده است، دست پیدا کنند. محیط سایبری، زمینه فعالیت در سطح بین‌المللی را بدون دخالت مستقیم بشر فراهم آورده است. محدوده فعالیت کاربر به مرزهای فیزیکی یک خانه یا یک محل کار و حتی مرزهای یک کشور محدود نبوده و در یک سطح کم‌هزینه، هر کاربر می‌تواند در هر زمان و در هر مکانی با مردم در هر نقطه‌ای از جهان ملاقات کند و اطلاعات مبادله کند، بدون اینکه از محل واقعی و هویت فرد خبر داشته باشد. همچنین انحرافات سایبری، بسیار ناشناخته‌تر از انحرافات کلاسیک و سنتی است؛ مانند بسیاری از کاربران اینترنت، منحرفین سایبری از اسامی مستعار استفاده می‌کنند و به یک سایت به عنوان کاربر میهمان و ناشناس وصل می‌شوند. لذا برای افراد و یا حتی برای نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی بسیار سخت است که هویت واقعی قاتلان سایبری را

ردیابی کنند؛ زیرا در فضای سایبری، موانع فیزیکی همچون ایست و بازرسی، مرز یا گمرک و ... وجود ندارد. بر این اساس، جرایم سایبری از آنجایی که معمولاً ممکن است در هر جایی اتفاق بیفتد و غالباً قابل ردیابی نیستند، به راحتی نمی‌توان عوامل آن را شناسایی نمود، گذشته از اینکه در جرایم مجازی، مجرم پس از ارتکاب جرم، نه تنها احساس ندامت نمی‌کند، بلکه بالعکس به هوش و توانایی‌های خود در ارتکاب جرم، بالیده و به نوعی احساس زرنگی می‌کند. به همین دلیل، می‌توان گفت جرایم مجازی، نسبت به نظایر فیزیکی‌شان از رقم سیاه بالاتری برخوردارند (جلالی فراهانی، ش ۴۷، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸).

لذا چاره‌ای نیست، جز آنکه مراتب امر به معروف و نهی از منکر در حد امکان، به صورت مجازی در این انحرافات مجازی، صورت گیرد.

وجود حاکمیت این محدودیت‌ها می‌تواند اهمیت امر به معروف در فضای اینترنتی را به اثبات برساند؛ به این معنا که وقتی دسترسی به فاعل این منکرات و جرایم، ممکن نیست، می‌توان از طریق اجرای مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فضای اینترنتی، تا حدودی کاستی‌ها را جبران نمود. چیزی که اهمیت این نوع از امر به معروف و نهی از منکر را دو چندان می‌کند، اینکه منکرات در فضای مجازی به خاطر شبکه جهانی بودن اینترنت، می‌تواند در حد گسترده‌ای رخ دهد. لذا با توجه به حجم وسیعی از منکرات در فضای مجازی که به مراتب دایره شمول آن بیشتر از نوع سنتی آن است، لازم است که به فریضه امر به معروف در فضای مجازی اهمیت بیشتری داده شود. در فضای مجازی، یکی از عوامل استقبال بی‌نظیر آن، دسترسی آسان و بدون دردسر، سهولت ارتباط، جستجوی پنهان، ارتباط با افراد مختلف و پنهان‌سازی هویت‌های فردی و حتی گروهی و ویژگی‌های منحصر به فرد دیگری است که افراد گوناگون را به استفاده هر چه بیشتر از این رسانه سوق می‌دهد و امکان عبور از مرزهای اخلاقی را متأسفانه به شکل بسیار بدی بیشتر می‌کند. بدین جهت، افراد، بدون هیچ‌گونه نگرانی اقدام به برون‌ریزی اعتقادات، رفتارها و نیت خود می‌کنند و این مسأله اهمیت مدیریت و نظارت امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در فضای مجازی را می‌افزاید. احیای امر به

معروف و نهی از منکر نیازمند به کارگیری تمام ظرفیت‌ها است. فراموش شدن امر به معروف در فضای مجازی، باعث به‌انحراف کشیده شدن این فضاها می‌شود. این در حالی است که بیشتر کاربران فضای مجازی را قشر جوان تشکیل می‌دهند و به تبع آن، این انحراف، آثار بسیار مخربی را در جامعه بر جای می‌گذارد.

مراتب امر به معروف در فضای مجازی

امر به معروف و نهی از منکر در فضای سنتی و واقعی، دارای مراتبی است که عبارتند از: انکار به قلب با اعراض و ابراز ناخوشنودی از عمل، انکار به زبان و انکار به دست. در این مراتب باید به ترتیب و تدریج از مرتبه ساده و ملایم‌تر به مرتبه شدیدتر پیش رفت (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲۵؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۸۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۵-۵۹۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۳ و نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۸۳-۳۷۴). در ابتدا شاید این طور به نظر برسد که اجرای امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، قابل تصور نیست، ولی با امعان نظر در این مورد، می‌توان مصادیق زیادی برای مراتب آن فرض نمود. از باب نمونه به بعضی از مصادیق مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی اشاره می‌کنیم:

امر به معروف قلبی

مرتبه قلبی؛ یعنی اظهار کراهت قلبی از گناه (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۹۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۷۶). این مرتبه، مانند دیگر مراتب، دارای درجاتی است که می‌توان به نگاه، اشاره، درهم کشیدن و عبوس نمودن چهره و روی گردانی و دوری، آن را ادا کرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۷۸-۳۷۷). تمامی این درجات در فضای مجازی نیز می‌تواند به اجرا در آورده شود؛ مثلاً در مصداق دوم و سوم از منکرات، زمانی که شخص، ایمیل یا پیامک حاوی منکرات را می‌فرستد، می‌توان در پاسخ، با ارسال تصویر آدمک‌هایی با چهره عبوس، انزجار خود را از گناه ابراز کرد. یا در مصداق چهارم، زمانی که شخص به صورت تصویری از طریق وب‌کم یا ویدئوکنفرانس، خواهان اعمال

مخالف با موازین اسلامی است و منکراتی از وی سر می‌زند، می‌توان هر یک از درجات اظهار کراهت قلبی از گناه را برای وی به صورت تصویری همچون عالم واقع به نمایش گذاشت.

امر به معروف لسانی

مصادیق امر به معروف در این زمینه قابل شمارش نیستند. در این مرتبه نیز همچون مرتبه قلبی، باید درجات را رعایت کرد و با حاصل شدن مقصود از درجه خفیف‌تر، عمل به درجه بعدی جایز نیست (همان، ص ۳۷۸). در زمان کنونی که فسادها و بی‌حرمتی‌ها در فضای مجازی رو به گسترش است و بسیاری از افراد نیز به خاطر برخی ملاحظات، امکان بیان و تذکر ندارند، چه بسا روش‌های غیر مستقیم؛ مانند ارسال پیامک و ایمیل می‌توانند در برخی از امور راهگشا باشند.

مثالی که در این زمینه می‌توان مطرح نمود، اینکه بسیاری از افراد به سایت‌ها و وبلاگ‌هایی مراجعه کنند که دارای تصاویر و یا نوشته‌ها و یا ترانه‌ها و موزیک‌های بر خلاف شرع باشد. بر حسب اتفاق، مدیر آن سایت و وبلاگ نیز بخشی را برای ارسال نظرات و ارتباطات تنظیم نموده است. در این صورت، لازم است که در بخش ارتباط با مدیر سایت، امر به معروف و نهی از منکر صورت گرفته و آنها را به تقوای الهی و دوری از غفلت ارشاد نمود. شیوه کامنت یا پیام‌گذاری از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه دوم است که علاوه بر سایت‌های فیلترشده، در تمامی سایت‌ها قابل اجراء می‌باشد. خوانندگان و بینندگان هر مطلبی، عموماً استقبال و اشتیاق زیادی به سمت این بخش دارند و گاه‌ا قبل از خواندن مطلب، نگاهی به پیام‌های مخاطبین می‌کنند. استفاده از کلمات کلیدی و تأثیرگذار و برانگیزاننده متناسب با فضا و مخاطبین سایت، می‌تواند آنها را نسبت به حضور در چنین صفحاتی، حتی شده برای لحظه‌ای دچار تردید کند. تداوم این کار از طریق سازمان‌های خاص و یا عموم مردم در طولانی مدت با صبر، استقامت و حوصله و خوش‌خلقی و عفت در قلم، کارساز خواهد بود؛ کاری که در صفحات مجازی نیز از طریق نفوذ در گروه‌های

دوستان و عضویت و لایک کردن مطالب مثبت و انتشار آن در صفحات غیر اخلاقی قابل پیگیری است.

یا در مصداق اول از منکرات، در شبکه‌های اجتماعی و یا سایت‌های همسریابی و دیگر سایت‌هایی که مشخصات و آدرس افراد بدکاره و منحرف وجود دارد و خواهان ارتباط با افراد می‌باشند، به راحتی می‌توان از طریق ارسال پیامک یا ایمیل و یا از طریق چت و ویدئوکنفرانس و دیگر راه‌های ارتباطی در فضای سایبری با این افراد و یا مدیر سایت به صورت مکاتبه‌ای و یا لسانی ارتباط برقرار کرده و آنها را دعوت به معروف و دوری از منکرات نمود. همچنین در مصداق دوم و سوم، می‌توان پس از آمدن ایمیل یا پیامک اینترنتی، پاسخ «Reply» آن را به صورت امر به معروف و نهی از منکر داد. یا در مصداق چهارم، اشخاص منحرف که از طریق چت یا ویدئوکنفرانس و امثال آن، خواهان ارتباط یا مذاکره می‌باشند، می‌توان با آنها به مذاکره پرداخته و آنها را دعوت به تقوای الهی و ترس از گناه و عقوبت آن نمود.

مرتبه عمل

آخرین مرحله امر به معروف و نهی از منکر، مرتبه عمل و استفاده از زور و قدرت است. البته در این مورد نیز باید همچون مراتب قبلی، درجات آن را رعایت نمود (همان)؛ مثلاً در بعضی از مواقع باید دست گناهکار را گرفت و مانع از اصرار وی بر انجام گناه شد که مثال آن در فضای مجازی می‌تواند، استفاده از نگاه حذفی؛ چون فیلترینگ و هک نمودن سایت‌های انحرافی شمرده شود.

فیلترینگ یا فیلتر اینترنتی، عبارت است از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وبگاه‌ها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عموم مناسب نیست (سایت ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد). جا انداختن موضوع فیلترینگ در میان مردم کشور به عنوان یک عامل نهی از منکر، بسیار می‌تواند کمک‌رسان مسئولین فرهنگی در کشور باشد. اگر برای مردم نهادینه شود که محدود کردن دسترسی به برخی مطالب، عامل و نماد سلب آزادی نیست و در حقیقت،

عاملی برای آرامش و امنیت در جامعه است، خود این مطلب، ابزاری برای نهی از منکر خواهد بود. در واقع، استفاده از فیلترینگ، گرفتن دست گناهکار و مانع شدن عود وی بر انجام گناه است.

از مصادیق دیگر مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر، بیرون انداختن شخص از مجلس است که از مصادیق اینترنتی آن می توان به بیرون انداختن کاربر از چت روم اشاره نمود؛ زیرا در اینترنت، سایت های بسیاری وجود دارند که از قابلیت چت روم برخوردار هستند و برای هر کاربر یا بازدیدکننده ای که وارد آن سایت می شود، این قابلیت وجود دارد که در صفحه ای مخصوص معروف به روم یا همان اتاق با دیگر کاربران حاضر و آنلاین در آن سایت گفتگو کنند و یا نوعی ارتباط برقرار سازند. افراد گوناگون از طریق اتصال به اینترنت، همگی با هم می توانند هم زمان به صورت آنلاین ارتباط برقرار کرده و با هم چت تصویری یا شنیداری کنند. در سایت های چت روم، مدیر سایت، دسترسی به پنل مدیریت سایت خود و کاربرانش را دارا می باشد و در این مورد، می تواند آزادانه تصمیم گیری و مدیریت کند؛ از جمله اینکه کاربران متخلف در چت رومش را بدون تعارف بیرون بیندازد و یا اجازه صحبت کردن از چنین کاربرانی را بگیرد و خیلی اقدامات دیگر. حال اگر در این مورد یکی از کاربران، مرتکب منکرات و اعمال منافی با شرع در فضای چت روم شود، مدیر سایت می تواند از باب امر به معروف، وی را از چت روم اخراج کند و یا کاربران دیگر، اعمال وی را به مدیر سایت گزارش دهند و مدیر سایت نیز پس از بررسی، عذر وی را بخواهد.

در موردی که ضرورت داشته باشد، در مرتبه سوم می توان وی را تنبیه بدنی نمود که مثال اینترنتی آن را می توان به دست یافتن بر او از طریق راه های امنیتی - همچون ریختن طرح دوستی با او و آنگاه کشف آدرس وی - و سپس تنبیه و مجازات وی را مثال زد.

هر یک از مراتب امر به معروف و نهی از منکر در دنیای مجازی به اندازه «قدرت فرد» و «احتمال تأثیر» تغییر پیدا می کند و مهم، ریشه کنی منکر است و وقتی نتوان منکر را ریشه کن کرد، باید روی منکرها پرده کشید. با توجه به اینکه در بسیاری از موارد اجرای

این مراتب، خصوصاً اجرای مرتبه سوم، - در اکثر اوقات - قطعاً نیازمند به تخصص خاص است. لذا لازم است که بدین منظور، به مربیانی آموزش ببینند تا اینکه بتوانند این مراحل را به نحو احسن در فضای مجازی اجراء نمایند. البته اجرای مراحل سه‌گانه امر به معروف، ممکن است در بسیاری از موارد نتیجه مطلوبی را به دنبال نداشته باشد. همچنین شاید فیلترینگ، اولین ایده‌ای باشد که در مرتبه سوم به ذهن خطور کند، اما یقیناً عبور از فیلترینگ و امثال آن از دیگر برخوردهای سلبی، برای کاربران حرفه‌ای این فضا، چندان سخت نیست؛ گذشته از اینکه قابلیت فیلتر همه محتویات انحرافی وجود ندارد. چنانچه قابلیت هک کردن تمامی سایت‌های انحرافی نیز ممکن نیست. همان‌طور که ردیابی کردن کاربران منحرف نیز - چنانچه گذشت - به دلیل تکثرگرایی فضای مجازی و هویت پنهانی شخص، کاری بسیار دشوار است. بر این اساس، آمرین به معروف و ناهین از منکر نباید منتظر باشند تا اینکه منکری رخ دهد، آنگاه مراتب سه‌گانه امر به معروف را به تناسب اجراء کنند، بلکه باید در این زمینه پیش‌قدم شده و سایت‌ها و وبلاگ‌های مذهبی که در زمینه پاسخ‌گویی به شبهات دینی و مذهبی مردم و داعی آنها به معروف و دوری از منکرات است، تأسیس نمایند و افراد را از عواقب منکرات و گناهان؛ اعم از عواقب اخروی و دنیوی، آگاه نمایند. ایجاد اتاق‌های مذهبی در فضای چت و گفتگو که بیشتر کاربران اینترنتی، در این فضا دست و پنجه نرم کرده‌اند، از نمونه‌های بارز آن است؛ زیرا با وجود خصوصیتی که برای گستردگی منکرات در فضای مجازی وجود دارد، به تناسب امر به معروف در فضای مجازی نیز به خاطر وصل‌بودن شخص به شبکه جهانی اینترنت؛ چه بسا می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد. حرکت فردی در فضای مجازی می‌تواند موجی تأثیرگذار در این فضا ایجاد کند که قابل قیاس با حرکت‌های دنیای واقعی نیست. به عنوان مثال، یک نفر می‌تواند در یک وبلاگ، از باب امر به معروف و نهی از منکر، مسأله‌ای را بیان کند و یا اینکه سایت یا وبلاگی را تأسیس نماید که حاوی پاسخ به مهم‌ترین سؤالات و شبهات شرعی مطرح‌شده در دین باشد و بسیاری از افراد در اقصی نقاط جهان را تحت تأثیر آن قرار دهد و بدین ترتیب، جهل بسیط یا مرکب آنها را نسبت به آن مسائل برطرف سازد و

حال آنکه در دنیای حقیقی، در این مورد موانعی همچون عدم ارتباط و دسترسی افراد وجود دارد و شخص، در غالب اوقات، حداکثر می‌تواند تعداد محدودی از افراد را هدایت نماید. همین حرکت و موج تأثیرگذاری که در فضای سایبری توسط افراد صورت می‌گیرد، می‌تواند در سطحی بزرگتر توسط مؤسسات و نهادها برای افراد کاربران اینترنت و یا در سطح بسیار گسترده‌تر توسط زمامداران دولت؛ مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان ملی جوانان و ... انجام شود. گذشته از اینکه ناشناس بودن آمرین به معروف در فضای مجازی در اکثر اوقات - که چه بسا باعث می‌شود با خیال راحت‌تر و به دور از ریا این فریضه الهی را انجام دهند - می‌تواند از مزایای این نوع از امر به معروف‌ها شمرده شود. بدون شک، عملی ساختن مراتب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، مبتنی بر همکاری مشارکتی بوده و اساس آن هم‌فکری و فعالیت بر مبنای دانش و شناخت است. همچنین دولت باید به عنوان متولی، زمینه‌های فرهنگ و فرهنگ‌سازی در توسعه چنین مجموعه‌هایی نقش بسیار مهمی را ایفاء کند که بخشی از آن در تشویق کسانی است که در فضای مجازی، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و یک بخش، مقابله و جلوگیری از تولید محتواهای نامطلوب با کمک‌گرفتن متخصصان مجرب این فن، در این فضاست تا اینکه بتوان یک محیط سالم، آموزشی، رقابتی و پرنشاط دینی را در فضای مجازی به وجود آورد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱. اگرچه اینترنت جزء جدایی‌ناپذیر نهادهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی، اقتصادی و خانوادگی به شمار می‌آید، منتها با وجود چنین کارکردهای مثبتی، دارای نقاط تاریک و پیامدهای منفی نیز می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به هرزه‌نگاری و بی‌بندوباری اخلاقی، اشاعه فحشاء و افساد اشاره نمود. این پیامدها در فضای سایبری، به خاطر جهانی بودن شبکه اینترنت، می‌تواند در حد گسترده‌ای رخ دهد. لذا با توجه به گستره

وسیعی از منکرات در فضای سایبری، لازم است به فریضه امر به معروف در فضای سایبری اهمیت داده شود.

۲. احتمال تأثیر در اجرای امر به معروف، شرط نیست و حتی بر فرض شرط دانستن آن، با توجه به اطلاق ادله، نیازی نیست به صورت دفعی باشد. لذا نمی‌توان با توجه فقدان احتمال تأثیر و یا دفعی نبودن، در بسیاری از موارد، امر به معروف و نهی از منکر در فضای سایبری را واجب ندانست.

۳. با توجه به پیامدهای منفی اینترنت، نمی‌توان استفاده از آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر جایز ندانست؛ زیرا مقتضای اطلاق ادله ترغیب به علم که دلیل عقلی می‌تواند مؤید آن باشد و همچنین بنای عقلاء، جواز استفاده از اینترنت است و به تبع آن، قطع اینترنت، دخالت در سلطه مردم و تزییع حقوق آنهاست و بیم و بهانه احتمال استفاده نامطلوب برخی نمی‌تواند مجوز چنین دخالت‌هایی گردد.

۴. امر به معروف و نهی از منکر در فضای اینترنتی، به حکم عقل واجب است و بر فرض اینکه وجوب آن تنها مستند به ادله نقلیه باشد، با توجه به اطلاق ادله و تنقیح مناط، واجب است.

۵. امکان اجرای مراتب سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر از طریق راه‌هایی همچون ارسال پیام و ایمیل و چت و یا فیلترینگ، در فضای اینترنتی می‌باشد.

یادداشت‌ها

۱. عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله 7 قال: سمعته يقول و سئل عن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر - أ واجب هو على الأمة جميعا؟: «فقال لا [فقليل له و لم؟ قال]: إنما هو على القوى المطاع العالم بالمعروف من المنكر لا على الضعيف الذي لا يهتدى سبيلا إلى أي من أي يقول من الحق إلى الباطل و الدليل على ذلك كتاب الله عز و جل قوله: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» فهذا خاص غير عام، كما قال الله عز و جل: «وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» و لم يقل: على أمة موسى و لا على كل قومه و هم يومئذ أمة مختلفة و الأمة واحد فصاعدا، كما قال الله عز و جل: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» يقول: مطيعا لله عز و جل و ليس على من يعلم ذلك في هذه الهدنة من حرج إذا كان لا قوة له و لا

- عدد و لا طاعة: [قال مسعدة. و سمعت أبا عبد الله 7 يقول]: و سئل عن الحديث الذي جاء عن النبي 9: إن أفضل الجهاد كلمة عدل عند إمام جائر ما معناه؟ قال: هذا على أن يأمره بعد معرفته و هو مع ذلك يقبل منه و إلاً فلا» (محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۷-۱۲۶).
۲. عن يحيى الطويل صاحب المقرئ قال: قال أبو عبد الله 7: «إنما يؤمر بالمعروف و ينهى عن المنكر مؤمن فيتعظ أو جاهل فيتعلم، فأما صاحب سوط أو سيف فلا» (همان، ص ۱۲۷).
۳. عن داود الرقي قال: سمعت أبا عبد الله 7 يقول: «لا ينبغي للمؤمن أن يذل نفسه، [يقبل له و كيف يذل نفسه؟ قال]: يتعرض لما لا يطيق» (همان، ص ۱۵۸).
۴. عن الحارث بن المغيرة قال: قال أبو عبد الله 7: «لأخذن البريء منكم بذنوب السقيم و لم لا أفعل و يبلغكم عن الرجل ما يشينكم و يشينني فتجالسونهم و تحدثونهم فيمرّ بكم المارّ فيقول: هؤلاء شرّ من هذا، فلو أنكم إذا بلغكم عنه ما تكرهون زيرتموهم و نهيتموهم كان أبرّ بكم و بي» (همان، ص ۱۴۵).
۵. عن أبان بن تغلب عن أبي عبد الله 7 قال: «كان المسيح 7 يقول: إن التارك شفاء المجروح من جرحه، شريك جارحه لا محالة [إلى أن قال]: فكذلك لا تحدثوا بالحكمة غير أهلها فتجهلوا - و لا تمنعوا أهلها فتأثموا و ليكن أحدكم بمنزلة الطيب المداوي إن رأى موضعاً لدوائه و إنّا أمسك» (همان، ص ۱۲۸).
۶. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله أولئك سيرحهم الله إن الله عزيز حكيم».
۷. «كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون».
۸. «يا بني أقيم الصلاة و أمر بالمعروف و أنه عن المنكر و اصبر على ما أصابك إن ذلك من عزم الأمور».
۹. «كنتم خير أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله و لو آمن أهل الكتاب لكان خيراً لهم منهم المؤمنون و أكثرهم الفاسقون».
۱۰. عن أبي سعيد الزهري عن أبي جعفر و أبي عبد الله 7 قال: «ويل لقوم لا يدينون الله، بالأمر بالمعروف و النهي عن المنكر».
۱۱. عن محمد بن عرفة قال سمعت أبا الحسن الرضا 7 يقول: «لتأمرن بالمعروف - و لتنهين عن المنكر - أو ليستعملن عليكم شراركم - فیدعو خياركم فلا يستجاب لهم».
۱۲. این قانون، مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ بوده که طی سه بخش و ۵۶ ماده، مجازات‌های جرایم رایانه‌ای را بیان می‌کند. از جمله جرایم رایانه‌ای، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

انتشار اخبار کذب، ارسال مطالب، تصاویر و فیلم‌های مستهجن، آموزش و تبلیغ تروریسم، هتک حرمت افراد، استفاده از فضای متعلق به دیگران، ارسال پیام‌های مخرب، اخلال در دسترسی به دیگران، نقض حق مالکیت، هک و ویروسی کردن سایت‌ها و ورود غیر مجاز به حریم خصوصی افراد از طریق ایمیل‌ها، بخشی از جرایم رایانه‌ای محسوب می‌شوند.

۱۳. لازم به ذکر است که در رابطه با مجازات، مصادیقی از منکرات که نگارندگان از باب نمونه متذکر آن شدند و تحت جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی قرار می‌گیرند. قانونگذار در فصل چهارم از قانون جرایم رایانه‌ای در رابطه با جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، عمل مجرم را در ضمن مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مستوجب تعزیر می‌داند و تنها در یک صورت عمل مجرم را مستوجب حد، آن هم حد افساد فی الارض می‌داند؛ زیرا قانونگذار در ضمن تبصره چهارم ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای نگاشته است:

چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده (ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای) را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان‌یافته مرتکب شود؛ چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

لازمه سخن فوق آن است که اگر مجرم، به واسطه حرفه‌قراردادن اعمال مذکور در ماده ۱۴، مفسد فی الارض شناخته شود، مجازات افساد فی الارض بر وی جاری می‌شود.

ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای عبارت است از: «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد، تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، **فوائد الأصول**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴. -----، **کفایة الأصول**، قم: مؤسسه آل البيت ، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر**، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن براج، قاضی عبدالعزیز، **المهذب**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۷. ابن حمزة، محمد بن علی بن حمزة، **الوسیلة**، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی (ره)، ۱۴۰۸ق.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان**، ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

۹. امام خمینی، سیدروح‌الله، **المکاسب المحرمة**، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ق.
۱۰. -----، **تحریر الوسيلة**، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۱۱. -----، **تهذیب الأصول**، قم: دار الفکر، ۱۳۶۷.
۱۲. ایروانی، علی، **نهاية الدراية في شرح الكفاية**، ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۰.
۱۳. بای، حسینعلی و پور قهرمانی، بابک، **بررسی فقهی - حقوقی جرایم رایانه‌ای**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۴. جزایری، محمدجعفر، **منتهی الدراية في توضیح الكفاية**، ج ۱، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۵ق.
۱۵. جلالی فراهانی، امیرحسین، «پیشگیری از جرایم رایانه‌ای»، **مجله حقوق دادگستری**، ش ۴۷، ۱۳۸۳.
۱۶. حرّ عاملی، محمدبن حسن، **وسائل الشیعة**، ج ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۰۹ق.
۱۷. حلّی، ابوصلاح تقی‌الدین، **الکافی فی الفقه**، بی جا، بی تا، ۱۴۰۳ق.
۱۸. حلّی، جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام**، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۱۹. حلّی، حسن بن یوسف، **مختلف الشیعة**، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۰. -----، **تذکرة الفقهاء**، ج ۹، قم: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۱۴ق.
۲۱. -----، **قواعد الاحکام**، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۲. -----، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، ج ۲، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۲۳. رمضان نرگسی، رضا، **بررسی پدیده قاچاق زنان**، اصفهان: مرکز پژوهش‌های اسلامی و مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی تا.
۲۴. **روزنامه سیاست**، یکشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۹.
۲۵. **روزنامه همشهری**، ۱۳۸۱/۸/۹.
۲۶. سایت ویکی‌پدیا، **دانشنامه آزاد**، واژه فیلترینگ، زمان مراجعه: ۱۳۹۴/۱۰/۲۴.
۲۷. سلار، حمزة بن عبدالعزیز، **المراسم العلویة**، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۲۸. شهید اول، محمدبن مکی، **اللمعة الدمشقیة**، بیروت: دار التراث، ۱۴۱۰ق.
۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **رسائل الشهيد الثاني**، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۱ق.
۳۰. -----، **مسالك الافهام**، ج ۳، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.

۳۱. صدر، سيد محمد باقر، بحوث في علم الأصول، ج ۴، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۲. -----، دروس في علم الاصول، ج ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۳۳. طباطبائی قمی، تقی، آراؤنا فی أصول الفقه، ج ۲، قم: محلاتی، ۱۳۷۱.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ق.
۳۵. -----، تهذيب الاحکام، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۳۶. عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدين، قم: بی نا، بی تا.
۳۷. عراقی، ضیاء الدین، الاجتهاد و التقليد، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۸.
۳۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۱، قم: کتابخانه آية الله مرعشی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۳۹. -----، کنز العرفان، ج ۱، قم: انتشارات مرتضوی، ۱۴۲۵ق.
۴۰. قانون جرائم رایانه ای مصوب: ۱۳۸۸/۳/۵.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ و ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۴۲. مجمع فقه اهل البيت، قواعد اصول الفقه، قم: المجمع العالمی لاهل البيت ،: ۱۴۲۳ق.
۴۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۴۴. موسوی حائری، مصطفی محسن، نهاية الوصول الى كفاية الأصول، نجف: مطبعة الآداب، بی تا.
۴۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات، ج ۱، تهران: مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ق.
۴۶. نائینی، محمد حسین، أجود التقريرات، ج ۲، قم: مطبعة العرفان، ۱۳۵۲.
۴۷. نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.